

بنابر این بنده معتقدم که این مسئله مقدم باشد .

فایبر رئیس - رای میگیریم پیشنهاده آقای آقا میرزا شهاب آقایی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - لایحه اش حاضر نیست یک قدری تأمل فرمائید تا حاضر شود (پس از چند ثانیه لایحه مزبور حاضر شد)

فایبر رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع ماده واحده که آقای میرزا شهاب پیشنهاد کردند قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است چهارصد گز مربع اراضی جنب خندق شهر کرمان را که حاج علی اکبر (مروج الصنایع) در روی آن دکا کین ساخته است برای تشویق بایشان واگذار نماید

فایبر رئیس - آقای کازرونی **کازرونی** - بعد از یک مخالف عرض می کنم

فایبر رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - موافقم

فایبر رئیس - آقای ضیاء **ضیاء** - موافقم

فایبر رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم

فایبر رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده با آن کلمه هروج الصنایع مخالفم

فایبر رئیس - آن کلمه در بین الهالین نوشته شده مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

نایب رئیس - رای میگیریم بماده واحده باورده آقایان موافقین وره سفیدو الاورقه کبود خواهند داد

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۷۴

آقایان حسین خان بیرنیا ، میرزا حسن خان بیرنیا ، ابوالحسن بیرنیا ، دیوانبیکری ، مصر انقلاب ، آقا شیخ هادی یزدی ، آقا رضا مهدوی ، حاج میرزا اسدالله خان کردستانی ، میرزا حبیب الله خان شادلو ، فتح الله میرزا محمد هاشم میرزا ، میرزا محمود خان وحید - حاج میرزا عبدالوهاب - محمد خان معظمی - ارباب کیخسرو - لطف الله خان بقوانی ، میرزا جواد خان ، سیف الله خان یاسائی ، آقا سید علاءالدین ، میرزا حسینخان دادگر ، سلیمان میرزا ، دست غیب ، دکتر امیر خان اعلم - حاج میرزا هلی رضا ، آقا شیخ عبدالرحمن ، محمودلی ، خان اسدی - شریعت زاده - میرزا ابوالله خان - دکتر حسین خان بهرامی

صدرائی ، کازرونی ، اخگر ، میرزا

عبدالحسین صد - زاهدی ، اسمعیل خان - قشقائی ، آلموتی ، میرزا شهاب ، ناصر ندامانی ، آقا شیخ جلال ، دولت آبادی ، محمودلی - میرزا ، دکتر محمد خان مصدق ، میرزا یوسف خان عدل - طباطبائی دیبا ، دکتر ضیائی ، هایم ، آقا سید کاظم یزدی ، علائی ، تقی زاده ، عراقی ، افشار میرزارضاخان حکمت زهیم ، میرزا اسمعیل خان اصائلو ، حائری زاده ، میرزا صادق خان اکبر ، آقا شیخ فرج الله ، سید یعقوب ، آقا سید محیی الدین ، تدین ، اکبر میرزا ، آقا سید مصطفی - بهبهانی ، نجات ، میرزا سید حسن کاشانی ، آقا سید ابراهیم ضیاء ، بهیجی خان زنگنه ، میرزائی ، کی استوان ، آقا سید ابولفتح ، میرزا علی خان خطیبی ، حبیب الله خان کمالوند ، حاج سید محمد سلطانی ، سلطان ابراهیم خان افخمی ، نایب رئیس - عده حضار ۸۴ با کثرت ۷۴ رای تصویب

معاون وزارت عدلیه - دو فقره لایحه است یکی راجع باصلاح قانون استخدام قضاة و یکی راجع ببقیه قانون جزا که تقدیم مجلس شورای ملی می کنم

نایب رئیس - بکمیسیون عدلیه ارجاع می شود

لایحه اعطای قرضه های فلاحی مطرح است تداش قرائت شود

آقا سید یعقوب - همه داریم

حائری زاده - بنده در دستور عرض دارم

نایب رئیس - فرمائید

حائری زاده - کمیسیونهای معمولی باید انتخاب شود و هنوز هم تصمیمی گرفته نشده است؟ بنده استدعا می کنم جلسه را ختم فرمائید که تکلیف کمیسیونها تأمین بشود چون لوایح در کمیسیونها معطل مانده و از جمله لایحه ممیزی است که ناقص مانده و باید تکلیفش همین شود

لهذا بنده تقاضا می کنم مجلس را ختم کنیم تا کمیسیونهای معمولی انتخاب شوند بعد این مسئله را شروع کنیم

نایب رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - بنده عقیده دارم که شور در کلیات این لایحه بشود اگر محتاج بکمیسیون شد آنوقت کمیسیونها را انتخاب می کنیم زیرا این مسئله مهمی است و اگر بنا باشد چهار ماه دیگر مسئله تمام شود دیگر ببرد کسی نمیخورد اینست که بنده معتقدم که اقلا شور در کلیاتش بشود

نایب رئیس - رای میگیریم بختم جلسه آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ، جلسه آنبه روز پنجشنبه سه ساعت ونیم قبل از ظهر

دستور اگر آقایان موافقت فرمایند در درجه اول قانون تفریح بودجه مجلس باشد از باب سه سیصد و دو است و مدتی است بتأخیر افتاده و در درجه دوم هم همین لایحه قرضه های فلاحی کمیسیونها هم در ضمن انتخاب می شوند

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی

سید محمد تدین

منشی علی خطیبی

منشی م شهاب

جلسه ۲۱۰

صورت مشروح مجلس عصر پنجشنبه هفتم آبان ماه هزار و سیصد و چهار مطابق یازدهم ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس مقارن غروب بریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید

(صورت مجلس سه شنبه پنجم آبان آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده راجع بدستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای وحیدی (اجازه)

وحیدی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در صورت مجلس نمی توانم صحبت کنم زیرا گمان نمی کنم اکثریت باشد ، اگر اجازه می فرمائید عرایض را عرض کنم

نایب رئیس - آقای نجات (اجازه)

نجات - بنده هم قبل از دستور عرض دارم ، ولی فعلا راجع بصورت مجلس عرض دارم که اگر اجازه میفرمائید عرض کنم

نایب رئیس - فرمائید

نجات - در جلسه گذشته راجع بتخلقی که در بعضی مواد نظامنامه از طرف کمیسیون عرایض بعمل آمده بود بنده اظهاراتی کردم در صورت مجلس نوشته نشده است

نایب رئیس - در صورت مشروح نوشته شده است ، آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای صدری (اجازه)

حاج سید عبدالحسین صدر - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب راجع به صورت مجلس فرمایش داشتند؟

آقا سید یعقوب - فعلا عرضی ندارم

نایب رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

چند فقره پیشنهاد به امضای چند نفر از آقایان راجع بدستور رسیده است و سیزده نفر از آقایان هم اجازه خواسته اند

داور - خوبست پیشنهاد های راجع بدستور خوانده شود

نایب رئیس - پیشنهادی است راجع بدستور قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا داریم قرائت تلگرافات واصله از ایالات و ولایات در این جلسه در درجه اول جزء دستور شود و تکلیف قطعی معلوم گردد

عبدالله یاسائی ، عالی رضا الحسینی ، دست غیب ، کی استوان ، حیدرقلی حشمتی ، دکتر امیر ، اخگر

نایب رئیس - راپرتی از کمیسیون عرایض در این باب رسیده قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

از اواسطه هر ماه تا امروز تلگرافات عریده از طرف وجوه اکابر و مشاهیر و کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان و طبقات مختلفه و همچنین از ایالات و ولایات که ذیلا شرح داده شده تبریز ، کرمان ، مشهد ، تربت ، شیراز ، درجز ، رشت ، قزوین ، مچمره ، بجنورد ، کردستان ، بارفروش ، ساری ، و بجزند و غیره بمجلس مقدس شورای ملی شده دال بر عدم رضایت از سلطنت فاجاربه و تغییر سلطنت از این سلسله و تعیین تکلیف از مقام مقدس مجلس شورای ملی ، کمیسیون در جلسات عریده تلگرافات فوق الذکر را تحت مذاکره گذارده و بالاخره تصویب می نماید که راپرت قضیه را بضمیمه تلگرافات مذکور تقدیم مجلس شورای ملی نماید که هر طور مقتضی و صلاح است تعیین تکلیف وجواب

تلگرافات مزبوره صادر شود . رئیس کمیسیون حسن ملک
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)
 داور - موافقم
 نایب رئیس - آقای سهرابزاده (اجازه)
 سهرابزاده موافقم
 نایب رئیس - آقای افشار (اجازه)
 افشار - موافقم
 نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - موافقم
 نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
 طهرانی - موافقم
 نایب رئیس - آقای دکتر آقاییان (اجازه)
 دکتر آقاییان - موافقم
 نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
 دستغیب - موافقم
 نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
 دامغانی - موافقم
 نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
 یاسائی - موافقم
 نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - موافقم
 نایب رئیس - آقای صدری (اجازه)
 صدری - موافقم
 نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)
 سلطانی - موافقم
 نایب رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر)
 نایب رئیس - تصور میکنم خلاصه این تلگرافات همان است که در ریورت کمیسیون عرایض بعرض مجلس رسیده است و این تلگرافات زیاد است اگر بنا باشد تمامش فرأت شود تصور میکنم وقت زیادی را اشغال کند اگر آقایان راه حلی بنظرشان میرسد ممکن است پیشنهاد فرمایند معذک اگر مقرر کنید فرأت شود : آقای افشار (اجازه)
 افشار - بنده نظرم این است همانطور که فرمودند خلاصه تلگرافات را کمیسیون عرایض تبیین کرده است و بعرض آقایان هم رسیده و ممکن است تلگرافات واسله را بگذارند در اطاق تنفس هر يك از آقایان میل دارند مراجعه فرمایند و از مضمون آن مطلع شوند .

نایب رئیس - آقای یاسائی

(اجازه)
 فرمودند وارد اصل قضیه و راه حل آن بشویم اینست که بنده نسبت بسهم خود عقیده خودم را اینجاء عرض میکنم .
 با حذف تمام مقدمات ما عاجالتا واقعیتم در برابر يك وضعیت بحران آمیزی که قابل تردید و تشکیک نیست .
 آذربایجانهای حساس بالخصوص و آزادیخواهان سایر ولایات يك صداها و فریادهائی دارند که بگوش ماها و اهالی مرکز عموماً رسیده است و از مضامین تلگرافات بوسیله اوراق مطبوعه در این شهر مسبق شده اند و محتاج بخواندن و قرائت در مجلس نیست .
 فقط چیزی که مورد توجه و نظر است اینست که مجلس شورای ملی برای این قضیه منظوره يك راه حلی در نظر بگیرد . چون گفته میشود که اختیارات ما محدود است .
 بعضی از فره ایستگان - کسی چنین چیزی نگفته است .
 یاسائی - شاید در خارج گفته شود و بهمین نظر اگر خاطر آقایان نمایندگان محترم باشد بنده در حوت ۱۳۰۳ در موقع شور در قانون انتخابات ماده الحاقیه پیشنهاد کردم که ما اجازه بدیم ملت در موقع انتخابات دوره ششم بواکلاء دوره ششم اختیار بدهد که در قانون اساسی در آن موادی که لازم است تجدید نظری بعمل بیآورد .
 ولی وضعیت فعلی بنده را از این عقیده فعلاً منصرف کرده است زیرا اگر ما بخواهیم بگوئیم و کلای دوره ششم بیاینند و این اختیار را از ملت بگیرند و وارد در این مرحله شوند شاید خاتمه باین وضعیت داده نشود و موجبات رضایت ملت فراهم نگردد . تحمل نکنند .
 بی صبری و بی حوصله گی کنند آنوقت يك حوادث و خطرانی برای مملکت پیش بیآید .
 باین نظر بنده عقیده دارم که مجلس شورای ملی تلگرافاً از ملت استعلام کند که از نقاط مهمه مملکت يك همچو شکایاتی از سلطنت قاجاریه دارند ملت هم اگر میل دارد و بما اختیار بدهد ما هم تجدید نظر بکنیم در مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و سایر مواد متعلقه بحقوق سلطنت و آنچه که مقتضی است بعمل بیآوریم .
 زیرا ماده ۳۵ قانون اساسی می گوید سلطنت و دبهه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مقوض شده . این ماده میرساند که ملت میدهد و ملت میگیرد . ملت سلطنت را بشخص بمنوان ودیعه اعطا میکند .
 اگر سوعظن پیدا کرد که آن شخص

که ودیعه با وسپرده شده است نمی تواند از عهده حفظ آن ودیعه بر آید آن ودیعه را استرداد میکنند .
 در هر صورت ملت میتواند اینکار را بکنند و وقتیکه ملت بما گفت شما مختارید از جانب ما تجدید نظر بکنید در قانون اساسی و مخصوصاً راجع سلطنت و تبدیل و انتقال ما آنوقت وارد می شویم و بهر طور که مقتضی است رفتار خواهیم شد .
 این عقیده بنده است و ممکن است در ظرف چند روز صورت بگیرد . مردم ناراضی هستند از سلسله قاجاریه و البته از سلسله قاجاریه يك شاهزاده گان محترم وطن پرست هم در داخل مجلس و خارج مجلس هست و البته آنها مورد نظر نیستند .
 وقتیکه ما قاجاریه میگوئیم نظرمان بآنها نیست بنده تصور میکنم که ملت در ظرف چند روز بجای این تعرضاتی که بما میکنند بی ربط و اعتراضاتی که به مجلس شورای ملی میکنند و شکایاتی که از نمایندگان دارند بطور عموم و کلی بجای این تعرضات این اختیار را بدهند .
 بنده مراجعه میکنم بحوزه انتخابیه خودم اگر موکلین بنده اجازه دادند بنده میرآیم اینجا و اقداماتی که مقتضی است میکنم
 در مملکت ما هم برای اولین دفعه این طور رفتارند ضروری ندارد . ملت را آشنا میکنیم به رفتارند و در آتیه هم در دوره ششم يك قانونی برای رفتارند بنویسند که يك صورت مشروع تر و بهتری پیدا کند
 در هر صورت بعقیده بنده در همین دوره باید این اقدام را بکنیم و این مراجعه هم بطور متحد اعمال از طرف مقام ریاست به تمام ولایات و ایالات می شود که اشخاصی که ناراضی و شاکی هستند این اجازه و اختیار را بمجلس شورای ملی بدهند و ما با آن اختیار و اجازه وارد در حل قضیه بشویم اینست عقیده بنده
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)
 داور - متأسفانه موضوع طوری طرح نشده است که بشود بطور او و علیه درش صحبت کرد برای این که بطور کلی يك وضعیاتی پیش آمده که باید راجع باین وضعیات فکری کرد .
 گمان می کنم که بطور کلی هیچ کسی نباشد که اظهار مخالفتی در کلیات این قضیه بکند و منطقی هم داشته باشد .
 پس برای اینکه نظر ما زیاد و کم معلوم شود و بعد از اینکه چند نفری اظهار عقیده بهمین شکل کلی کردند وارد در حل قضیه بشویم بنده هم ناچارم بهمین صورت عرض کنم

بطوریکه آقایان خاطرشان هست قبل از ظهر در جلسه خصوصی هم بنده تذکر دادم باز میخواهم تذکر بدهم و خاطر آقایان را بطرف این مسئله جلب کنم که يك بحرانی از دوسال قبل تقریباً در این مملکت شروع شده است و يك تلگرافاتی بمجلس رسیده و کشمکشهایی شد و جماعتی آمدند و رفتند و اینها يك چیز هائیکه در خاطر همه ما هست
 در آن موقع آنچه که بنده اطلاع دارم و بطارطم هست عدای از آقایان نمایندگان می گفتند که باید سعی کرد و حالا که قضیه به اینجا رسیده است يك طریق حلی برایش پیدا کرد و ممکن است مجلس بيك موادی رأی بدهد و آراء عمومی را تقاضا کند و از برای خودش کسب حق و کسب اجازه کند و ببیند که دارای حق تجدید نظر در فلان مواد قانون اساسی هست یا نه ؟
 و در صورتی که دارای اکثریتی شد راجع باین موضوع آنوقت ششید و قضیه را حل کنید و الا صورت دیگرش دارای يك اشکالاتی هست ولی همین مسئله بواسطه يك بیش آمدهائی که بنده نمیخواهم داخل در جزئیات آن بشوم کم کم بتدریج یا به بطوریکه در مملکت ما معمولست که زمان يك اثر خاصی دارد و بتدریج يك قضایائی را از بین ببرد اصل این قضیه هم از بیترت
 پس از چندی يك مذاکراتی بيك شکل دیگری پیش آمد و همان اوقات بود که یکماده واحده هم از مجلس گذشت و از دوسه هفته گذشته قبل تا بحال يك تلگرافاتی باز شبیه به آن تلگرافات اول باینک تغییرات مختصر که آنوقت صحبت غالب بلکه میتوان گفت همه تلگرافات راجع بجمهوریت بود .
 ولی ایندفعه صحبت از آن قضیه نیست و صحبت در مخالفت و ضدیت با خانوادهای است که در ایران سلطنت می کنند و مردم هم گم و ریاد از این قضیه اطلاع دارند ما هم تمامان مسجونیم که تلگرافاتی آمده و اشخاصی در تلگرافخانه تبریز متحصن هستند و به مرکز مخابراتی می شود
 نمایندگان آذربایجان و گاهی سایر نمایندگان را بتگرافخانه احضار میکنند و کم کم بيك کارهایی می شود که آن کارها (بنده میخواهم يك کلمه بگویم که شاید در درجه اول بيك قدری زننده باشد گفتن همین کلمه) برای مملکت مضر است که گفته شود میخواهند بيك قسمت از ادارات دولتی را تصرف کنند یا تصرف کردند
 بنده گمان میکنم که و کلاه دیگر حق ندارند بنشینند و باخونسردی و بیامانت مشرق زمینی خودمانی خودمان قضیه را نگاه کنند

چند روز هم هست که قضایا بکفتری شدت کرده و حرارت پیدا شده و کلاً در این خصوص بیشتر صحبت میکنند.

یک عده هم رفته اند در مدرسه نظام متحصن شده اند و میگویند ما تجدین آذربایجان هستیم و میخواهیم کنگ کتیم به رفقای آذربایجانی

جماعت دیگری تلگرافاتی در دست دارند و میگویند این تلگرافات از ملایر و نهاوند و معمره و سایر نقاط ایران است که آمده است و در آن تلگرافات مینویسد که ما اختیاریه هستیم به پادشاه آذربایجان خودمان که این خانواده را خلع کنند و آنها را منزل بزنند و منقرض حساب کنند

دنبالش یکروز خریدار می شویم که تلگرافاتی بوکلای آذربایجان میرسد که شا حاضر نشوید در یک مجلس که میخواهند به حرفها و تلگرافات ما گوش بدهد و حرف های ما را شوخی فرض نمی کند

باز عرض میکنم شوخی است یا جدی است کار داریم ولی این تلگرافاتی است که رسیده است و بنده در این عریض که میکنم تنها این تلگرافات را ملاحظه فرمایند بلکه تمام جریانات این دوساله را که بنده با آنها اشار کرده ام که از یک وضعیت غیر عادی میدانم از یک وضعیتی که بالاخره از برای یک مملکت در صدی نود و نه احتمال ضرر و خطر دارد

وقتیکه یک کشمکش هائی به این عظمت راجع بیک موسساتی مثل موسسه سلطنت واقع میشود و دوسال هم دوام میکند و هر روز یک صدای تازه بلند میشود این صداها و این کشمکشها ممکن است یک روزی بجائی برسد که مملکت را دچار صدمات و زحمت بزرگی بکنند

بنده تصور میکنم که کسانی که موافق با سلطنت و ادامه سلطنت قاجاریه هستند و چه کسانی که میگویند بس است و حیف است ما زندگانی خودمان را که داشت رو به راحت و آسایش میرفت و حالا رو به اغتشاش میرود این زندگانی را بزحمت بیندازیم هر کدام از این دودسته باشند این قسمت را لاقط تصدیق دارند که نشستن و تماشا کردن و گاه گاهی زیر بار صحتی کردن و خندیدن خوب نیست اما امید اینها باید بواسطه همین بهران و کشمکش که بطور متناوب گاهی روی قضایا آید و گاهی در زیر قضایا مانده بواسطه همین حالت غیر عادی و غیر مترقب و فوق العاده است که مردم همه زیاد و کم در زحمت هستند

تمام اشخاصی که بوسائل و دلائل مختلف اظهارات و اقداماتی میکنند و گرفتارهایی برای شان پیدا میشود در نتیجه این بهران است

اگر واقعاً بخواهیم تمام این مسائل را که هر روز می شنویم بگذاریم برای روز بعد خیال میکنم مردم رادائماً در زحمت نگاه داشته ایم

بنده عرض میکنم امروز این اشخاص که جمع شده اند و میروند در نقاط مختلف در زیر چادری نشینند در تلگراف خانه جمع می شوند و حرف میزنند راست می گویند یا دروغ انصاف بدهید در هر یک از این دو صورت باشد باز شما نمی توانید آسوده بنشینید

در هر حال این مردم یک قضیه را اظهار می کنند و به این قضیه باید خاتمه داده شود حالاً البته ممکن است که در این زمینها ما با مردم همان ترتیبی که عادت خودمان است آن عادت مساجد و ممالک خودمان است و برای این که زودتر به نتیجه برسیم خوبست در همین مجلس میخوانیم الان نمیخواهم بعد از یک نفس در هر حال شقوق ذکر شود و هر یک از اشخاص یکی از این این شقوق را که بنظرشان بهتر می آید درش پیش نادی بکنند و بعد میگویند: بینم کدام یک از این شقوق بیشتر بصلحت مملکت نزدیک و با وضعیت مملکت موافق است

بنده یکی از آن اشخاص هستم که البته همیشه میل دارم و سعی هم کرده ام آنچه که تا بحال توانسته ام کاری که میکنم در حدود قوانین موضوعه باشد

البته حتماً تا وقتیکه ممکن است دردی را از راه قانون دوا کرده عقل اجازه نمیدهد که انسان بیاید و یک طریق غیر قانونی در نظر بگیرد

ولی این راهم به آقایان میخوانم عرض بکنم که قوانین برای مواقع عادیست گاهی هم میشود که شاید اگر بطور خیلی جدی یک مسائلی را دنبال کردید و از راه قانونی عادی حل کردید که بسیار خوب ولی اگر نشد یک وقت ممکن است اوضاع بیک جائی برسد که طرق غیر عادی پیش بیاید و مجبور شوند بیک طریق غیر قانونی اقدام بکنند و پیش آمده های ناگواری بشود و مسئولیتش متوجه تمام آن اشخاص است که نخواهند سعی کنند بلکه یک طریق صحیح و مشروع قانونی پیدا کنند

عجالتاً بنده به همین اندازه اکتفا میکنم و سایر آقایان که اجازه خواسته اند اظهار نظر بکنند تا بعد برسیم در موضوع شقوقی که بنظر آقایان رسیده است

نایب رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - البته آقایانیکه در این روزها در طهران زندگی میکنند تصدیق میفرمایند که وضعیت غیر عادیست و اتفاقاً تمام سنگینی این وضعیت هم مستقیماً بدوش اشخاصی است که در این طالار جلوس فرموده

را عرض و تکرار کنم

البته همان طور که عرض کرده ام از یک شق خیلی بزرگ و وسیع دارد که همین مجلس نشینند قضیه را ختم بکنند تا آن شکل نسبتاً کم رنگ که بالاخره مجلس رأی بدهد دولت را دعوت کند باینکه مجلس آتی و وکلای آتی با حق تجدید نظر در فلان اصل و فلان اصل و فلان اصل قانون اساسی انتخاب شوند بعد آنها بیایند و قضیه را حل کنند

بالاخره بایستی یکی از این شقوق یا شق دیگری را عقلاً نشسته پیدا کنند و چنانکه خاطر غالب آقایان مستحضراست و بنده هم می بینم خیال نمی کنم روی هر قفه خیلی مجال و فرصت باشد از برای اینکه ما با خون سردی کار بکنیم

بنا بر این از برای اینکه زودتر به نتیجه برسیم خوبست در همین مجلس میخوانیم الان نمیخواهم بعد از یک نفس در هر حال شقوق ذکر شود و هر یک از اشخاص یکی از این این شقوق را که بنظرشان بهتر می آید درش پیش نادی بکنند و بعد میگویند: بینم کدام یک از این شقوق بیشتر بصلحت مملکت نزدیک و با وضعیت مملکت موافق است

بنده یکی از آن اشخاص هستم که البته همیشه میل دارم و سعی هم کرده ام آنچه که تا بحال توانسته ام کاری که میکنم در حدود قوانین موضوعه باشد

البته حتماً تا وقتیکه ممکن است دردی را از راه قانون دوا کرده عقل اجازه نمیدهد که انسان بیاید و یک طریق غیر قانونی در نظر بگیرد

ولی این راهم به آقایان میخوانم عرض بکنم که قوانین برای مواقع عادیست گاهی هم میشود که شاید اگر بطور خیلی جدی یک مسائلی را دنبال کردید و از راه قانونی عادی حل کردید که بسیار خوب ولی اگر نشد یک وقت ممکن است اوضاع بیک جائی برسد که طرق غیر عادی پیش بیاید و مجبور شوند بیک طریق غیر قانونی اقدام بکنند و پیش آمده های ناگواری بشود و مسئولیتش متوجه تمام آن اشخاص است که نخواهند سعی کنند بلکه یک طریق صحیح و مشروع قانونی پیدا کنند

عجالتاً بنده به همین اندازه اکتفا میکنم و سایر آقایان که اجازه خواسته اند اظهار نظر بکنند تا بعد برسیم در موضوع شقوقی که بنظر آقایان رسیده است

نایب رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - البته آقایانیکه در این روزها در طهران زندگی میکنند تصدیق میفرمایند که وضعیت غیر عادیست و اتفاقاً تمام سنگینی این وضعیت هم مستقیماً بدوش اشخاصی است که در این طالار جلوس فرموده

اندک عده بنده هم یکی از آن آقایان هستم

باید تصدیق کرد که برای مملکت ما یک روز هائی بیش آمد است که در تاریخ قرون اخیره ایران می شود این روزها را جزو صفحات خیلی عمده تاریخ قرار داد

حقیقتاً اشخاصی که جزو نام برداران این صفحات میباشند باید خیلی دقت سعی بکنند که در آن صفحات اعتراضات زیادی بآنها وارد نشود

بنده تصدیق میکنم که بجای اینکه بخونسردی بجای اینکه به ملاحظه و معوض اینکه بقیبت و ظفره بخواهیم با این وضعیت مقابله کنیم همانطوریکه آقایان فرمودند بهتر این است که ما بر شادان و با شجاعت ولی نه یک شجاعت خود خواهانه یک شجاعت و شهامتی که صرف مقرون مصالح مملکت و مقرون به منافع ملی و منافع ملت باشد باید وارد قضیه شد و با طریق عقلانی و طریق وطن خواهی حقیقی در اسرع اوقات حل کرد و اصلاح کرد

در این قسمت بنده کابلاً با ناطقین محترم موافق هستم و به همین دلیل هم در جلسات حاضر شدم با اینکه مزاجم خوب نیست و همه روزه هم رقه عذر بنده بتمام ریاست میرسد مملکت در این چند روز اخیر حاضر شدم

راست است اینکه آقای یاسائی و آقای داور فرمودند یک بحرطن فوق العاده قابل توجهی در مملکت پیدا شده است و همانطور که گفته شد یا بطور طبیعی همان طور که آقای داور فرمودند یا بطور دلخواه یا غیر دلخواه هر چه هست وضعیت طوریست که اگر مجلس شورای ملی جلوگیری نکند و واقفان نقطه نظر صمیمیت و صرف وطن خواهی داخل در قضیه نشود ممکنست در آتی قضیه طوری شود که اختیار از دست ما و آقایان و شاید دولت هم برخلاف انتظار بیرون برود و بطور غیر دلخواه قضیه حل شود

یاسائی - بطور دلخواه بهار - بلی البته بطور دلخواه است

بنده نقل قول آقا را کردم زیرا فراموش نشود و این اصل مسلمی است که انقلاب را ممکن است ایجاد کرد ولی ممکن نیست جلوگیری کرد

وقتیکه یک آتش در یک خرمنی افتاد شاید اول خیلی سهلست بعداً اگر جلوگیری نشود ممکنست بجائی برسد که خاموشی آن از عهده ما خارج شود باین دلیل هر چه هست مجلس شورای ملی که چندی بیشتر از عمر او باقی نمانده است باید سعی کند که در مقابل این تظاهراتی که در ایالات و ولایات می شود و بالاخره بهر مرکز هم سرایت کرده است یک جواب های امید

صفحه ۷۹

بخش و یک جواب هائی که بالاخره مقرون به مصالح مملکت باشد تهیه کند و بنده

مقصود بنده که اجازه خواستم این نبود که بخواهم در مبادی تظاهرات حرف بزنم

این ها یک قضایائی است که خیلی واضح است و بطور تواریح در این قضایا حکایت کرده است و میکنند و هیچ میل ندارم و نمیخواهم تعرضی بکنم و هیچ هدفی ندارم که در اطراف این مبادی حرف بزنم

ایشکه آقای یاسائی اشاره کردند و اعتراض کردند قصد بنده به هیچ وجه تعرض نبوده و از نقطه نظر مصالح مملکت و منافع ملت هم به آقایان عرض میکنم و میتوانم قسم بخورم که برای شخص بنده به هیچ وجه فرقی نمیکند که در رأس امور این مملکت اشخاص خاص با طبقات مخصوص باشند یا چاره در رأس امور مملکت باشند یا غیر آنها هیچ برای بنده و شاید برای تمام آقایان هراز نقطه نظر منافع عمومی و مصالح مملکتی نباید ابدائی کند

زیرا زندگی اجتماعی زندگی شخصی را یکی دور میکند ما هیچکدام را راجع به اشخاص منافع خاص نداریم

مادر ضمن سیر اجتماعی که بالاخره دوره های این سیر اجتماعی از قرون هم تجاوز میکنند و شاید چندین قرن هم میرسد می آیم و می رویم و مضمحل می شویم

ما اشخاصی هستیم که در عرض سال و ده سال و بیست سال شاید در این سیر اجتماعی هستیم بعد مضمحل می شویم و میرویم و بالاخره مملکت میماند و ملت تاریخ

پس برای شخص بنده به هیچ وجه تفاوتی نخواهد کرد اگر چنانچه ملت خواهد یک طبقه را دارد و یک طبقه دیگر ایجاد کنند تنها قصد بنده این است که مجلس شورای ملی باید یک تکه را کاملاً مراعات کند و آن قانون اساسی است

یعنی در ضمن شقوقی که آقای داور فرمودند مجلس شورای ملی سعی کند و آن شقی را انتخاب کند که هم بوضعیات حاضر خاتمه داده شود و هم اندک خدشه بقانون اساسی رخ ندهد و وارد نشود

زیرا اگر بخواهیم قسمت اخیر نطق آقای داور را ملاحظه نظر قرار دهیم که فرمودند قوانین از برای مواقع عادیست و بالاخره وضعیت فعلی را خیلی غیر عادی فرض کنیم و قانون را در مقابل وضعیت فعلی خاصه قانون اساسی را در برابر وقایع فعلی قابل شکستن و قابل تزلزل بدانیم به عقیده بنده یک دست منصری کردیم

زیرا معتقدین و علاقه مندان بمنافع و مصالح یک جامعه حتی الامکان هر وضعیت

شدیدتی که در مقابل قانون اساسی پیش بیاید باید آن وضعیت را عادی تصور بکنند و بایستی برای حفظ قانون اساسی که تنها ضامن سعادت و حیات یک مملکتی است آن وضعیت را غیر عادی ندانند و مقاومت بکنند برای حفظ قانون اساسی

لهذا بعقیده بنده برای صاحبان این عقیده یعنی کسانی که قانون اساسی را در مقابل هر وضعیتی قابل بقا و ثبات میدانند هیچ هنگامه و هیچ هیاهو و هیچ حمله و هیچ خیرتی نمیتوانند و نباید غیر عادی تلقی شود

خاصه که دولت مایه دولت مقتدر است و شخص اول مملکت ما آقای پهلوی که یک مرد قادر و توانائی است و در تمام اوضاع مملکت و تمام سرحدات ایران و تمام ایالات و ولایات عهده عهد دارند و البته با بودن ایشان ما نمیتوانیم یک وضعیتی را غیر عادی فرض کنیم

تمام وضعیاتی که بخواهد در مقابل قانون اساسی تظاهر کند با قدرت حکومت پهلوی وضعیت عادیست و هیچ قضیه را نمیتوانیم وضعیت غیر عادی تلقی کنیم فقط در مقابل یک چیز ما موظف هستیم که خون سردی را کنار بگذاریم و عقلاً داخل حل قضیه بشویم و آن عبارتست از تلگرافاتی که اهالی ایران بجمعی از نمایندگان ب مجلس شورای ملی مغایر شده است

در پایتخت هم جمعی افراد مملکت و ملت از تجار و کسبه و اصناف رفته اند در یک نقطه جمع شده اند و جمعی هم از آقایان نماینده گان رفته اند باین دسته ملحق شده اند

البته در مقابل این قضایا مجلس شورای ملی بایستی این خون سردی را کنار بگذارد و بایستی به عریض و تظلمات و استقانات اهالی گوش بدهد و در حدود حفظ قانون اساسی و در حدود صیانت قانون اساسی یک تصمیمی اتخاذ بکند که هم در ادب تلگراف کنندگان و متمتعین حاصل شود و هم قانون اساسی بقوت و ثبات خود باقی بماند

زیرا اگر بخواهد یک شخص یا یک جمعی یا یک خانواده در یک مملکتی زندگی سیاسی کند و مملکت را سر پرستی بکنند بالاخره بقانون اساسی احتیاج خواهد داشت

زیرا اگر بخواهیم قسمت اخیر نطق آقای داور را ملاحظه نظر قرار دهیم که فرمودند قوانین از برای مواقع عادیست و بالاخره وضعیت فعلی را خیلی غیر عادی فرض کنیم و قانون را در مقابل وضعیت فعلی خاصه قانون اساسی را در برابر وقایع فعلی قابل شکستن و قابل تزلزل بدانیم به عقیده بنده یک دست منصری کردیم

زیرا معتقدین و علاقه مندان بمنافع و مصالح یک جامعه حتی الامکان هر وضعیت

شکند و بنده درجه حدی میتوانند یک تصمیمی اتخاذ بکنند که هم تلگراف کنندگان ساکت شوند و هم متمتعین راحت شوند و امیدوار بشوند و بیرون مشغول کار و زندگی خودشان شوند و کمتر اسباب زحمت دولت و نگرانی آقایان نمایندگان حاصل شود و هم در عین حال بالاخره مذاکراتی که بقول آقای داور دو سال است که ما ملت و مملکت را بزحمت انداخته است این مذاکرات را هم بیک حدی و در یک جائی خاتمه بدهند و مردم نا اندازه آسوده و راحت شوند

پس بالاخره بنده بهتر میدانم که مقدمات طول نداد و مقدمات را همان جائی رساند که جمعی از افراد ملت تلگرافاتی کرده اند و باید به آنها جواب داد بنده به آنها رساند و در عین حال باید تصمیمی اتخاذ کرد که مرضی الاطراف باشد یعنی قانون اساسی متزلزل نشود

اسباب آسودگی مردم و طبقات آحاد ملت هم فراهم شود و اتفاقات دو ساله هم رخ ندهد

در عین حال اگر چنانچه راجع به اشخاص یک وضعیت بایش آمد البته مجلس شورای ملی بایستی اشخاص را فدای مملکت نکند

ما باید در مقابل مملکت و در مقابل ملت اگر چنانچه ناچار شدیم از اشخاص صرف نظر بکنیم ولی در عین حال باید سعی کنیم که قانون اساسی کاملاً محفوظ بماند و اگر بشود همانطوری که گفته شد قضیه رفتارند را بیک طریق عقلاً و بیک شکلی که هر روز نشود نظیرش را ایجاد کرد و دو اصل و سه اصل از قانون اساسی را از بین برد باید صورت داد

یعنی یک شکلی رفتارند باید بشود که قابل ایقان به مثل نباشد یعنی هر روز نشود باین شکل و باین وسیله یک اصل از قانون اساسی را تراشید و یک اصل دیگری را بخش گذاشت

باین ترتیب رفتارند بنده کاملاً موافق هستم حالا اگر رفتارند یک هفته طول کشید و در عرض یک هفته صورت گرفت بهتر و اگر نشد بالاخره بایستی عجل باشم و اگر چهار ماه و پنج ماه هم برای این رفتارند و برای سؤال از افکار عمومی طول بکشد بایستی تسلیم شویم و مردم را ساکت کنیم

مجلس شورای ملی هم باید در مقابل مردم آن حاکمیکه دارای قواست دارای اختیار است خود را معرفی کند و بپیش اینهم راضی نشویم و اجازه ندهیم که به وکلای مجلس توهین کنند و بالاخره مگرسی و گرسنی نشین لغت کنند و بالاخره یک کاری نکنیم که وضعیت این یکی دو ساله که اسباب زحمت شده باز تجدید بشود

این مسئله را هم عرض میکنم که این قضیه را باید بجمله که در عین حال با خون سردی

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

شکند و بنده درجه حدی میتوانند یک تصمیمی اتخاذ بکنند که هم تلگراف کنندگان ساکت شوند و هم متمتعین راحت شوند و امیدوار بشوند و بیرون مشغول کار و زندگی خودشان شوند و کمتر اسباب زحمت دولت و نگرانی آقایان نمایندگان حاصل شود و هم در عین حال بالاخره مذاکراتی که بقول آقای داور دو سال است که ما ملت و مملکت را بزحمت انداخته است این مذاکرات را هم بیک حدی و در یک جائی خاتمه بدهند و مردم نا اندازه آسوده و راحت شوند

پس بالاخره بنده بهتر میدانم که مقدمات طول نداد و مقدمات را همان جائی رساند که جمعی از افراد ملت تلگرافاتی کرده اند و باید به آنها جواب داد بنده به آنها رساند و در عین حال باید تصمیمی اتخاذ کرد که مرضی الاطراف باشد یعنی قانون اساسی متزلزل نشود

اسباب آسودگی مردم و طبقات آحاد ملت هم فراهم شود و اتفاقات دو ساله هم رخ ندهد

در عین حال اگر چنانچه راجع به اشخاص یک وضعیت بایش آمد البته مجلس شورای ملی بایستی اشخاص را فدای مملکت نکند

ما باید در مقابل مملکت و در مقابل ملت اگر چنانچه ناچار شدیم از اشخاص صرف نظر بکنیم ولی در عین حال باید سعی کنیم که قانون اساسی کاملاً محفوظ بماند و اگر بشود همانطوری که گفته شد قضیه رفتارند را بیک طریق عقلاً و بیک شکلی که هر روز نشود نظیرش را ایجاد کرد و دو اصل و سه اصل از قانون اساسی را از بین برد باید صورت داد

یعنی یک شکلی رفتارند باید بشود که قابل ایقان به مثل نباشد یعنی هر روز نشود باین شکل و باین وسیله یک اصل از قانون اساسی را تراشید و یک اصل دیگری را بخش گذاشت

باین ترتیب رفتارند بنده کاملاً موافق هستم حالا اگر رفتارند یک هفته طول کشید و در عرض یک هفته صورت گرفت بهتر و اگر نشد بالاخره بایستی عجل باشم و اگر چهار ماه و پنج ماه هم برای این رفتارند و برای سؤال از افکار عمومی طول بکشد بایستی تسلیم شویم و مردم را ساکت کنیم

مجلس شورای ملی هم باید در مقابل مردم آن حاکمیکه دارای قواست دارای اختیار است خود را معرفی کند و بپیش اینهم راضی نشویم و اجازه ندهیم که به وکلای مجلس توهین کنند و بالاخره مگرسی و گرسنی نشین لغت کنند و بالاخره یک کاری نکنیم که وضعیت این یکی دو ساله که اسباب زحمت شده باز تجدید بشود

این مسئله را هم عرض میکنم که این قضیه را باید بجمله که در عین حال با خون سردی

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

شکند و بنده درجه حدی میتوانند یک تصمیمی اتخاذ بکنند که هم تلگراف کنندگان ساکت شوند و هم متمتعین راحت شوند و امیدوار بشوند و بیرون مشغول کار و زندگی خودشان شوند و کمتر اسباب زحمت دولت و نگرانی آقایان نمایندگان حاصل شود و هم در عین حال بالاخره مذاکراتی که بقول آقای داور دو سال است که ما ملت و مملکت را بزحمت انداخته است این مذاکرات را هم بیک حدی و در یک جائی خاتمه بدهند و مردم نا اندازه آسوده و راحت شوند

پس بالاخره بنده بهتر میدانم که مقدمات طول نداد و مقدمات را همان جائی رساند که جمعی از افراد ملت تلگرافاتی کرده اند و باید به آنها جواب داد بنده به آنها رساند و در عین حال باید تصمیمی اتخاذ کرد که مرضی الاطراف باشد یعنی قانون اساسی متزلزل نشود

اسباب آسودگی مردم و طبقات آحاد ملت هم فراهم شود و اتفاقات دو ساله هم رخ ندهد

در عین حال اگر چنانچه راجع به اشخاص یک وضعیت بایش آمد البته مجلس شورای ملی بایستی اشخاص را فدای مملکت نکند

ما باید در مقابل مملکت و در مقابل ملت اگر چنانچه ناچار شدیم از اشخاص صرف نظر بکنیم ولی در عین حال باید سعی کنیم که قانون اساسی کاملاً محفوظ بماند و اگر بشود همانطوری که گفته شد قضیه رفتارند را بیک طریق عقلاً و بیک شکلی که هر روز نشود نظیرش را ایجاد کرد و دو اصل و سه اصل از قانون اساسی را از بین برد باید صورت داد

یعنی یک شکلی رفتارند باید بشود که قابل ایقان به مثل نباشد یعنی هر روز نشود باین شکل و باین وسیله یک اصل از قانون اساسی را تراشید و یک اصل دیگری را بخش گذاشت

باین ترتیب رفتارند بنده کاملاً موافق هستم حالا اگر رفتارند یک هفته طول کشید و در عرض یک هفته صورت گرفت بهتر و اگر نشد بالاخره بایستی عجل باشم و اگر چهار ماه و پنج ماه هم برای این رفتارند و برای سؤال از افکار عمومی طول بکشد بایستی تسلیم شویم و مردم را ساکت کنیم

مجلس شورای ملی هم باید در مقابل مردم آن حاکمیکه دارای قواست دارای اختیار است خود را معرفی کند و بپیش اینهم راضی نشویم و اجازه ندهیم که به وکلای مجلس توهین کنند و بالاخره مگرسی و گرسنی نشین لغت کنند و بالاخره یک کاری نکنیم که وضعیت این یکی دو ساله که اسباب زحمت شده باز تجدید بشود

این مسئله را هم عرض میکنم که این قضیه را باید بجمله که در عین حال با خون سردی

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

شکند و بنده درجه حدی میتوانند یک تصمیمی اتخاذ بکنند که هم تلگراف کنندگان ساکت شوند و هم متمتعین راحت شوند و امیدوار بشوند و بیرون مشغول کار و زندگی خودشان شوند و کمتر اسباب زحمت دولت و نگرانی آقایان نمایندگان حاصل شود و هم در عین حال بالاخره مذاکراتی که بقول آقای داور دو سال است که ما ملت و مملکت را بزحمت انداخته است این مذاکرات را هم بیک حدی و در یک جائی خاتمه بدهند و مردم نا اندازه آسوده و راحت شوند

پس بالاخره بنده بهتر میدانم که مقدمات طول نداد و مقدمات را همان جائی رساند که جمعی از افراد ملت تلگرافاتی کرده اند و باید به آنها جواب داد بنده به آنها رساند و در عین حال باید تصمیمی اتخاذ کرد که مرضی الاطراف باشد یعنی قانون اساسی متزلزل نشود

اسباب آسودگی مردم و طبقات آحاد ملت هم فراهم شود و اتفاقات دو ساله هم رخ ندهد

در عین حال اگر چنانچه راجع به اشخاص یک وضعیت بایش آمد البته مجلس شورای ملی بایستی اشخاص را فدای مملکت نکند

ما باید در مقابل مملکت و در مقابل ملت اگر چنانچه ناچار شدیم از اشخاص صرف نظر بکنیم ولی در عین حال باید سعی کنیم که قانون اساسی کاملاً محفوظ بماند و اگر بشود همانطوری که گفته شد قضیه رفتارند را بیک طریق عقلاً و بیک شکلی که هر روز نشود نظیرش را ایجاد کرد و دو اصل و سه اصل از قانون اساسی را از بین برد باید صورت داد

یعنی یک شکلی رفتارند باید بشود که قابل ایقان به مثل نباشد یعنی هر روز نشود باین شکل و باین وسیله یک اصل از قانون اساسی را تراشید و یک اصل دیگری را بخش گذاشت

باین ترتیب رفتارند بنده کاملاً موافق هستم حالا اگر رفتارند یک هفته طول کشید و در عرض یک هفته صورت گرفت بهتر و اگر نشد بالاخره بایستی عجل باشم و اگر چهار ماه و پنج ماه هم برای این رفتارند و برای سؤال از افکار عمومی طول بکشد بایستی تسلیم شویم و مردم را ساکت کنیم

مجلس شورای ملی هم باید در مقابل مردم آن حاکمیکه دارای قواست دارای اختیار است خود را معرفی کند و بپیش اینهم راضی نشویم و اجازه ندهیم که به وکلای مجلس توهین کنند و بالاخره مگرسی و گرسنی نشین لغت کنند و بالاخره یک کاری نکنیم که وضعیت این یکی دو ساله که اسباب زحمت شده باز تجدید بشود

این مسئله را هم عرض میکنم که این قضیه را باید بجمله که در عین حال با خون سردی

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

شکند و بنده درجه حدی میتوانند یک تصمیمی اتخاذ بکنند که هم تلگراف کنندگان ساکت شوند و هم متمتعین راحت شوند و امیدوار بشوند و بیرون مشغول کار و زندگی خودشان شوند و کمتر اسباب زحمت دولت و نگرانی آقایان نمایندگان حاصل شود و هم در عین حال بالاخره مذاکراتی که بقول آقای داور دو سال است که ما ملت و مملکت را بزحمت انداخته است این مذاکرات را هم بیک حدی و در یک جائی خاتمه بدهند و مردم نا اندازه آسوده و راحت شوند

پس بالاخره بنده بهتر میدانم که مقدمات طول نداد و مقدمات را همان جائی رساند که جمعی از افراد ملت تلگرافاتی کرده اند و باید به آنها جواب داد بنده به آنها رساند و در عین حال باید تصمیمی اتخاذ کرد که مرضی الاطراف باشد یعنی قانون اساسی متزلزل نشود

اسباب آسودگی مردم و طبقات آحاد ملت هم فراهم شود و اتفاقات دو ساله هم رخ ندهد

در عین حال اگر چنانچه راجع به اشخاص یک وضعیت بایش آمد البته مجلس شورای ملی بایستی اشخاص را فدای مملکت نکند

ما باید در مقابل مملکت و در مقابل ملت اگر چنانچه ناچار شدیم از اشخاص صرف نظر بکنیم ولی در عین حال باید سعی کنیم که قانون اساسی کاملاً محفوظ بماند و اگر بشود همانطوری که گفته شد قضیه رفتارند را بیک طریق عقلاً و بیک شکلی که هر روز نشود نظیرش را ایجاد کرد و دو اصل و سه اصل از قانون اساسی را از بین برد باید صورت داد

یعنی یک شکلی رفتارند باید بشود که قابل ایقان به مثل نباشد یعنی هر روز نشود باین شکل و باین وسیله یک اصل از قانون اساسی را تراشید و یک اصل دیگری را بخش گذاشت

باین ترتیب رفتارند بنده کاملاً موافق هستم حالا اگر رفتارند یک هفته طول کشید و در عرض یک هفته صورت گرفت بهتر و اگر نشد بالاخره بایستی عجل باشم و اگر چهار ماه و پنج ماه هم برای این رفتارند و برای سؤال از افکار عمومی طول بکشد بایستی تسلیم شویم و مردم را ساکت کنیم

مجلس شورای ملی هم باید در مقابل مردم آن حاکمیکه دارای قواست دارای اختیار است خود را معرفی کند و بپیش اینهم راضی نشویم و اجازه ندهیم که به وکلای مجلس توهین کنند و بالاخره مگرسی و گرسنی نشین لغت کنند و بالاخره یک کاری نکنیم که وضعیت این یکی دو ساله که اسباب زحمت شده باز تجدید بشود

این مسئله را هم عرض میکنم که این قضیه را باید بجمله که در عین حال با خون سردی

تلگرافات متعدد از آذربایجان رسیده است که لازم دانستم به آقایان عرض کنم که این مسئله عادی هم نیست و این شکل هم نیست که بفرعادی تلقی شود

اقدامات آذربایجان يك اقدامات معنوی است و از روی يك حقیقتی است که محرك آنها شده و آنها اقدام کرده اند و اگر بخواهیم بخون سردی این مسائل را تلقی کنیم شاید موجب پشیمانی از برای تمام افراد این مملکت باشد.

لهدانقضا می کنم که مجلس بهیچ وجه داخل هیچ موضوعی از موضوعات نشود مگر اینکه این موضوع را خاتمه دهد و تکلیف آذربایجان را از ما معلوم کند.

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - اولاً باینکه محتاج بقسم نمیدانم عرایض خودم را ولی باز این طور عرض میکنم که خدا میداند بی عرضانه و از روی يك احساسی که بعقد خودم باك است این راء عرض میکنم

در اینکه این مکررات را نباید عرض کرد و در اینکه يك نگرانیها و يك بحرانهائی در مجلس هست نه تنها و کلاه و مجلس تصدیق دارند بلکه عموم مردم این نگرانی ها و بیخبرانهائی را تصدیق دارند یعنی يك چیزی نیست که مخفی و پوشیده باشد و محتاج بمنطق و برهان باشد این بحرانی را در مملکت همه مردم حس میکنند.

آقایان فرمایشاتی فرمودند و اگر بنده بخواهم مجدداً آنها را عرض کنم يك تکراری است که شده علی ای حال يك نگرانیها از دو سال باین طرف یا پنجما یا شش ماه تا کنون در مملکت پیدا شده و اگر بخواهم باز عرایضی در این خصوص عرض کنم این قسمت هم مکررات می شود.

حالا میخواهم ببینم آیا مجلس حق دارد که داخل در این بحران و نگرانی شود یا نه؟ بنده و گمان میکنم همه آقایان تصدیق کنند که مجلس شورای ملی صلاحیت دارد برای اینکه هر بحران و نگرانی که در مملکت تولید و ایجاد شد داخل در آن موضوع شود و نمی تواند کسی بگوید که مجلس شورای ملی صلاحیت ندارد یا اینکه مظهر افکار ملت است و یا اینکه مظهر افکار ملت است داخل در آن قضیه بشود.

برای اینکه هر نگرانی کوچکتر و نگرانی بزرگتر و هر بحران و نگرانی که در مملکت پیدا شود کسی که مظهر افکار ملت است صلاحیت دارد داخل در آن موضوعات شود و این موضوع هم مسلم است و گمان میکنم آقای ملک الشمره اعبهار

هم تصدیق فرمودند که باید مجلس داخل در این موضوع نگرانی و بحران بشود. بنده مقدم این است که مجلس باید زود داخل در این بحران بشود برای اینکه هر قدر طول بکشد و هر چه دیر بشود دامنه این بحران و نگرانی وسیع تر می شود و چنانچه بعضی از آقایان اشاره کردند شاید میرسد بجایی که نمیشود جلو گیری کرد و با جلو گیری آن سخت است پس حالا که من است يك ترتیبی مجلس جلو گیری کند از قضیه البته بهتر است. اینها مطالب مسلمی است که گمان نمیکنم يك نفر از آقایان مخالف با این مطلب باشند. يك مطلب دیگر این است که يك حالت تردید و بلاتکلیفی در مملکت ایجاد شده و همه آقایان این مسئله را تصدیق میکنند که این حالت بلاتکلیفی و تردید الساعة که بنده در پشت این تریبون هستم در این مملکت موجود است.

آیا باین حالت بلاتکلیفی باید خاتمه داد یا خیر؟ البته باین حالت مجلس شورای ملی باید خاتمه بدهد.

گفتگو بر سر این کلمه شد. بنده هم قانون اساسی را مقدس میدانم.

قانون اساسی را بنده هم می گویم معتبر است بلکه همه آقایان و کلاه و توده هم میگویند معتبر است چرا قانون اساسی معتبر شده؟

برای اینکه قانون اساسی را این ملت تصویب کرده یا اینکه ملت اجازه داده است بیک عهد که این قانون را وضع کنند که قانون اساسی مملکت و قانون استقلال مملکت باشد. و بالاخره قانونی باشد که اساس قانونها را می باشد.

حالا برویم بر سر اینکه آیا ملت با اینکه خودش این قانون را وضع کرده میتواند بعضی از موادش را نسخ کند یا نه؟ البته میتواند. مثل اینکه مجلس دوره سوم و یا مجلس دوره چهارم يك قانونی وضع میکند خودش یا مجلس دیگر البته میتواند آن قانون را لغو کند.

پس قانون اساسی که معتبر است برای ایست که ملت خودش وضع کرد و همان ملت هم میتواند نسخ کند. این اعلامیه ها ایست که در دست بنده است. این اعلامیه ها ایست که (قطع نظر از اینکه بنده و کیل بندر عباس یا کیل قاسم وقتی که امتیازنامه تصویب شد و کیل ایران) موکلین ما اینطور میگویند. آذربایجان تلگراف میکند که قصد و مقصود من ایست که این اعلامیه ستون اولش نوشته است و ستون دومش تمام امضاء تجار مرگز است که بنده نمیخواهم اسمی آنها را بگویم برای اینکه همه آقایان خوانده اند و بنده و سایر آقایان هم کاملاً آنها را می شناسیم.

این اعلامیه تجار ایران است که نوشته اند و در ستون دیگرش امضاء کرده اند.

این مردم وقتی که بگویند شما که مظهر افکار ما هستید و شما که مظهر افکار ما هستید و کلاهی مجلس شورای ملی هستید ما این چیز را میخواهیم آیا میتوانیم يك حرفی بزنیم که خدای ناخواسته بر خلاف رضای ملت باشد. این ملت است حرف میزند.

بنده از روی این امضاء حرف میزنم. امضاء مال آذربایجانست و کلاهی آذربایجان حاضرند میدانند. امضاء مال فارس است و کلاهی فارس می دانند امضاء مال مرگز است این مردم این تقاضا را دارند اگر ما و کیل این مردم این مقصود خودشانرا علنی و آشکار می گویند

بنده گمان نمیکنم در میان این تجاری را که بنده اسامیشرا میخواهم از اول تا آخر يك نفر منافق تویش باشد که بگوید خیر من امضاء نکرده ام.

اینکه سقیه نبوده عاقل بوده است لابد از روی میل امضاء کرده و از روی اراده و دلخواه این حرف ها را زده من هم از روی افکار این ها حرف میزنم پس من نمی توانم از روی افکار این ملت حرف بزنم.

شوشتری - امضاء ها را بخوایند. دست غیب - امضاء را همه آقایان خوانده اند و دیده اند دیگر گمان نمیکنم لازم بخوانند باشد. در اینجا فقط يك کلمه خوشبختانه باید بختانه گفته شد که حق ندارند.

بنده عرض میکنم حق دارند. آقای ملک الشمره بیک عبارت تندتری فرمودند حق ندارند اعتراض کنند. بنده عرض می کنم حق دارند اعتراض کنند برای خاطر اینکه بگویند مظهر افکار من نگرانم تو که مظهر افکار منی چرا تکلیف مرا معین نمیکنی.

برای خاطر اینکه همانطور که آقای آقا سید یعقوب صبح در جلسه خصوصی فرمودند ملت نگرانست و تمام هم بطوری که آقایان فرمودند رفته اند متعصب شده اند و آنطور هم نیست که ما بتوانیم بیاییم مجلس ورأی بدهیم.

برای اینکه مثلاً بنده میتوانم اساساً بیایم و بگویم مرا غایب بی اجازه بنویس دیگر چه حرف داری بامن ولی تصدیق میفرمائید که من نمی توانم نگرانی و بحران را ببینم و بروم و پشت سرش ملت اعتراض کند بمن و بگوید تو مظهر افکار من هستی چرا بخونسردی این نگرانی ها را تلقی میکنی یا چرا جواب مارا نمیدهی و این نگرانی ها را رقیب نمیکنی؟

چرا بحرف نمورسی؟ و چرا نمی گوئی مقصودتان آنچه هست انجام می دهی؟

پس اگر اعتراض کند ملت به وکیل خودش عقیده بنده حق دارد و بنده آنرا دشمنی تلقی نمیکنم. آخر چه اعتراضی میکند؟ اعتراض این است که کیل میگوید این حالت خون سردی تو که وکیل منی برای من بد است شماها که وکیل ملت هستید نمیتوانید باین قیام رفته و مدارا از این نگرانی بیرون بیاورید.

يك کلمه دیگر هم هست و آن اینست (گمان میکنم اینطور باشد) که آقای داور فرمودند و خودشان هم توضیح دادند که برای شوخی یا جدی بنده گمان میکنم که هر کس هر چه خیال میکند و هر که هر چه در ذهنش هست بنده و ایشان که نماینده هستیم باید تکلیف مردم را معلوم کنیم.

بنده خودم را عرض میکنم که خوب از غیبت ندارم بنده دست غیبی از غیب که خبر ندارم. بنده می گویم این ملت است که می گوید تکلیف را معین نکن.

راستی راستی نگرانی و بحران بد است. یا لااقل حرف بزنید به مردم و بگویند ما در ظرف يك هفته یا دو روز یا ده روز تکلیف را معین میکنیم شماها که باید باشید.

ده بیست سی روز است که تلگرافاتی از آذربایجان و بعضی جاهای دیگر رسیده است و ما بخونسردی تلقی کردیم. البته اگر من هم يك و کیلی داشته باشم که بخونسردی مطالب و حرف مرا تلقی کند آنرا تلخ میشود يك کلمه آقای بهار فرمودند که آن کلمه بعقد بنده باید يك قدری اصلاح شود.

فرمودند دولت مقتدر اگر بنا باشد خلاف قانون اساسی گفته شود دولت مقتدر باید جلو گیری نماید بلی راست است اما دولت مقتدر پهلوی جلوی افکار مردم را نمیتواند بگیرد.

دولت مقتدر پهلوی نمیتواند بنده بگوید این عقیده که داری اظهار نکن. دولت مقتدر پهلوی که سهل است دولت مقتدر تر از پهلوی و يك اقتدار فوق اقتدار آقای پهلوی هم که در ذهن من بیاید نمیتواند بگوید تو آزاد نیستی حرفت را زدن.

بنده میگویم فلان ماده از قانون اساسی را من قبول ندارم دولت مقتدر پهلوی و هر دولت مقتدر دیگری نمیتواند توی دهن من بزند.

بلی ممکن است بکنند بیاید توی دهن من بزند و بگوید تویی فهمی البته این يك حرفی است ولی دولت مقتدر نمیتواند توی دهن ملت بزند و بگوید حرف نزن!

سلب آزادی از مردم میکند دولت مقتدر باستی مظهر افکار ملت باشد و افکارش از روی افکار ملت باشد اگر فرض کنیم که دولت مقتدر پهلوی اینها را متفرق میکرد آقایان را مجلس باو اعتراض نمیکرد که آقای دولت چرا اینها را متفرق کردید

هیچ دولت مقتدری نمیتواند جلوی افکار ملت را بگیرد نمیتواند جلوی این اعلامیه ها را بگیرد

دولت نمیتواند مردم را بگیرد حبس کند که چرا شما میخواهید عقاید و افکار خودتانرا اظهار کنید

پس بناءً علی ذلك در خاتمه عرایض خودم عرض میکنم که باید هر چه زودتر باین بحران و باین بلاتکلیفی و نگرانی خاتمه داد و مردم را از حالت بلاتکلیفی و نگرانی نجات داد

حالا اگر آقایان میل دارند کمیونی تشکیل بدهند هر چه بعقد بنده اینهم با وزیر میشود يك روز نمی شود و بالاخره کم کم همه امضاء کمیسیون کم میشود و باز این قضایا همینطور بعالت بی تکلیفی میماند و روز بیست روز طول خواهد کشید

این نکته را هم باید متذکر شد و آقای داور بد نفرمودند بلکه خوب فرمودند که اصل تفریب بعضی عبارات خوب نیست و کیف از تصرف

مثلاً بنده عرض میکنم خیال دارم ندارم نواقیل یا بنده را تصرف کنند اصلاً این کلمه بد است دیگر عملش البته بدتر است و بنده عقیده ام این است که بهتر ترتیبی هست باید جلو گیری کرد

نایب رئیس - مکرر گفته میشود مجلس نسبت بر سریدگی باین تلگراف و عرایض مردم مسامحه کرده است

البته همه آقایان تصدیق میکنند که مجلس مسامحه نکرده است نهایت شخصی که در خارج هستند برای اینکه اوضاع و ترتیبات داخلی مجلس مطلع نیستند این تصور را میکنند

مجلس مدت دهالی دوازده روز بود که مشغول انتخاب هیئت رئیس خود بود ولی چند روز است که توجه خاصی باین موضوع کرده است و باین مسئله هم در خارج تبادل نظر نشود و يك وجهی پیدا نشود. مجلس آمدنش فائده ندارد و نتیجه مطلوبه را نمیدهد

تا اینکه بالاخره آقایان حاضر شدند که داخل در طریق حل قضیه شوند و بهترین دلیل هم آمدن آقایانست درین موقع و تشکیل دادن جلسه فوق العاده در عصر

نایب رئیس - این ترتیب که علمای علم بنا بر این تصوراتی که در خارج میشود بی ورد خواهد بود و يك عده زیادی از

آقایان اجازه خواسته اند و تصور میکنم تمام هم موافق باین موضوع باشند که باید راه حلی پیدا کرد.

بنا بر این بهترینست که وارد در طریق حل شوند و الا در کلیات همه موافقتند. يك پیشنهادی هم از آقای حائریزاده راجع بتفنس رسیده است قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نیساعت تفنس داده شود.

نایب رئیس - بفرمائید.

حائریزاده - این موضوعی که حالا مطرح من هر چه فکر میکنم چه لباسی تنش کنم نمی فهمم.

چون راپرت کمیسیون عرایض ابتداء مطرح شد و راپرت کمیسیون هم این بود که تلگرافات فرانت شود بعد آقایان گفتند خوبست مضمون تلگرافات بعرض مجلس برسد ولی بعد از قرائتش صرف نظر شد.

مجلس مجلس روضه خوانی و کنفرانس نیست که هر کسی بیاید يك اظهاری بکنند مجلس باید يك راه حلی برای این بی تکلیفی (که همه متفق هستیم که باید بآن خاتمه داده شود) معین نماید.

بعقد بنده خوبست تفنس داده شود تا در خارج جلسه علنی علماء علم حقوقی که داریم بشنوند پهلوی هم و يك راه حل و فرمولی پیدا کنند و آن را زمینه قرار بدهیم و از روی آن عمل کنیم و الا ازین مذاکرات بتفرقه که بنده يك عقیده اظهار کنم بالاخره نتیجه نمی رسیم و توضیح وقت هم فائده ندارد ازین جهت بنده پیشنهاد تفنس کردم.

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده در اصل این پیشنهاد که چند دقیقه تفنس داده شود مخالف نیستم فقط این قسمت را میخواستم خدمت آقایان عرض کنم و آن اینست که اگر واقماً قصد تبادل نظر دارند و البته آقا که این پیشنهاد را داده اند مقصودشان همینست که يك ساعتی در بیرون بنشینند و تبادل نظر کنند بلکه زودتر بمقصد برسیم.

این امریست علی حده ولی اگر خیر مقصود اینست که وقتی تلف شود آقایان هم تشریف بیاورند و این قضیه هم هر قدر میکشد بکشد که این ترتیب صحیحی نیست و بنده مخالفم.

حائریزاده - قصد بنده هم همین بود که در خارج بنشینند و يك راه حلی پیدا کنند.

نایب رئیس - این ترتیب که علمای علم حقوق در خارج بنشینند رسمی نیست و اگر آقایان بخواهند صورت رسمی پیدا کنند

باید يك کمیسیونی رسماً انتخاب کنند نهایت علماء علم حقوق را بعصویت آن کمیسیون انتخاب کنند تا راپرتی بدهند و در آن مذاکره شود. علی ای حال رأی میگیریم بتفنس.

دست غیب - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

دست غیب - اولاً این که بنده خودم بفرموده آقای حائریزاده این موعظه را بخودم میکنم (چون شلم موعظه کردنتست) در عبارت عقیده ام اینست که باید درست حفظ نزاکت را کرد.

برای اینکه اگر یکی از نواکت خارج شود دیگری هم باید از نواکت خارج شود و مجلس همانطور که مظهر افکار سیاسی مردم است مظهر افکار و اخلاق مردم هم هست.

راجع بتفنس هم اگر چنانچه يك عده نروند که باز مجلس از اکثریت بیفتد خیلی خوبست تفنس داده شود ولی چون من قطع دارم که يك عده خواهند رفت و مجلس از اکثریت خواهد افتاد ازین جهت مخالفم.

نایب رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده از فرمایشاتی که که آقای دستغیب فرمودند خیلی تعجب میکنم. مگر ما حالا اگر بخواهیم برویم مانعی داریم؟ یا يك مأموری داریم که اینجا بنشینیم.

آقا سید یعقوب - بلی مانع دارید.

بحران مملکت مانع است.

حائریزاده - خوب بلی بحران مملکت مسأله ایست علی حده و الا اینجایی یکی آقایان بخواهند اظهار عقیده بکنند فائده ندارد و هیچ نتیجه نمی رسیم.

پس بهترینست که يك کمیسیونی همین طور که آقای نایب رئیس فرمودند انتخاب بشود هر شکلی که صحیح تر است کمیسیون انتخاب شود و بنشینند و در موقع تفنس این قضیه را حل کنند و به يك صورتی بیاورند و مجلس و طوری هم نباشد که يك ماه منتظر انتخاب کمیسیون بشویم.

نایب رئیس - پس موافقت با انتخاب کمیسیون دو پیشنهاد راجع باین مطلب رسیده است قرائت می شود این بنده نقض می کنم که کمیسیونی مرکب از دوازده نفر انتخاب شود.

(محمد علی طهرانی)

بنده پیشنهاد میکنم که يك کمیسیون دوازده نفری از مجلس انتخاب شود.

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده با انتخاب کمیسیون از مجلس مخالفم و این را علی نمیدانم و عقیده دارم که نمایندگان فرا کسینها در خارج جمع شوند و بنشینند این قضیه را حل

کنند و الا انتخاب کمیسیون از مجلس آن هم راجع بيك امر مهمی هیچ عملی نیست.

زیرا شاید بنده با این ترتیب باشم ولی آن کسی که انتخاب می شود مخالف باشد بنا بر این خوبست از فرا کسینها يك عده معین شوند و ممکن است آقایان منفرد هم نماینده بفرستند.

نایب رئیس - آنطوریکه در خارج مجلس از فرا کسینها انتخاب شود رسمی نیست. یا باید از مجلس انتخاب شود یا از شعبه علمی ای حال پیشنهاد دیگری شده است راجع بشب اما آن قسمت اخیرش باید حذف شود.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید در پیشنهاد توضیح بدهم.

نایب رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - هر چه این مسأله را در مقام ریاست فرمودند که فرا کسینها اگر نماینده انتخاب بکنند رسمیت ندارد نه سابقه مجلسی دارد نه سابقه نظامنامه و کمیسیونی که رسمیت دارد و راپرتش ممکن است در مجلس قرائت شود کمیسیون منتخبه از مجلس یا از شعب است.

بعلاوه ما که پیشنهاد کردیم کمیسیون دوازده نفری انتخاب بشود عقیده من بر خون سردی نیست بلکه عقیده من بجدیت و تمام کردن کار است و همین طور که آقای حائریزاده فرمودند صحیح است مجلس مجلس روضه خوانی و کنفرانس نیست بلکه مجلس حقیقه برای يك امر فوق العاده تشکیل شده است.

ملت در جنبش است. ملت طهران در جنبشند. حالا آقای ملک الشمره اعبهار به خیر اینطور نیست. بنده عرض میکنم. آقا ملت آذربایجان در جنبش است.

نایب رئیس - آقا راجع ببینید تلگرافات تلخیص بدهید.

آقا سید یعقوب - پس چون قضیه فوق العاده است و باید خاتمه پیدا کند ما اینطور پیشنهاد کردیم که کمیسیونی دوازده نفری از مجلس انتخاب شود و با سرعت اوقات فردا یا روز شنبه بنشینند و مطالب را حل کنند.

بهار - بنده بر طبق نظامنامه توضیح دارم نایب رئیس - بفرمائید.

بهار اگر مقصود آقایان اینست که باز مثل سابق در مسائل مخالف و موافق باشند و مطالب را سوء تعبیر بفرمایند در اصل موضوع نشدم و خواهش میکنم آقای آقا سید یعقوب هم سوء تعبیر فرمایند و بنده تکذیب میکنم فرمایش ایشان را. آقا سید یعقوب بسیار خوب تکذیب میفرمائید بفرمائید ولی (اشاره

بهیئت تندنویسی) وشته شده است .
 نایب رئیس - رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای سلطانی که کمیسیون دوازده نفری از مجلس انتخاب شود

یاسائی - بنده با این پیش نهاد مخالفم نایب رئیس - البته آقایان تصدیق میفرمایند که در پیشنهادهای مذاکره یک نفر مخالف کفایت . یک پیش نهاد دیگری هم رسیده است که بعد عرض آقایان میرسد آن هم از شعب است .

فعلا رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای سلطانی . . .
 پیش نهادی هم رسیده است که راجع باین موضوع باورقه رای گرفته شود قرائت می شود :

(شرح ذیل خوانده شد)

ما امضاء کنندگان تقاضا داریم درین موضوع باورقه رای گرفته شود . (عبداله یاسائی) دکتر امیر - دست غیب - کی استوان علی رضا الحسینی - اخگر)
 اخگر - بنده پس میگیرم .
 سلطانی - بنده امضاء میکنم .
 نایب رئیس - سایر آقایان هم پس میگیرند ؟

یاسائی - خیر
 نایب رئیس - آقای دکتر امیر اعلم شاهم امضاء فرموده اید .

دکتر امیر خان اعلم - بنده پس میگیرم .
 نایب رئیس - پس دیگر مورد ندارد .

نایب رئیس - رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد .
 پیش نهادی از طرف آقای نجات شده اماعده لش معلوم نیست .

نجات - دوازده نفر است .
 (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم کمیسیونی بغوریت از شعب انتخاب شده آنچه راه حل راجع باین قضیه میدانند بمجلس راپرت بدهد که تکلیف آن معلوم شود .

(درین موقع بواسطه شلیک چندتیر در خارج مجلس و خارج شدن آقایان نمایندگان از مجلس . جلسه تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل شد)

نایب رئیس - در اثر حادثه که عبارت از شلیک چند تیر در خارج مجلس بود و بعد از تحقیقات معلوم شد که مربوط بمجلس نبوده است یک عده از تماشاچی ها وحشت کردند و باعجله از مجلس خارج شدند و این مسئله باعث وحشت آقایان نمایندگان شد و باین جهت جلسه بهم خورد و در اثر این حادثه از قرار معلوم گویا بعضی از آقایان

نمایندگان نشریف برده اند بنابراین عده برای مذاکره برای کافی نیست و جلسه ختم میشود جلسه آتی . طاق معمول روز یکشنبه . . .
 بعضی از نمایندگان - جلسه شنبه تشکیل شود .

نایب رئیس - عرض کردم عده برای رای کافی نیست و برخلاف نظامنامه هم نمی شود رفتار کرد چون قبلاً اکثریت مجلس روز یکشنبه را همین کرده است همان روز یکشنبه جلسه تشکیل میشود منتھی دستور همین دستوری که امروز مطرح بود و ناتمام مانده است .

(مجلس دو ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی
 سید محمد تدین

منشی م - شهاب
 منشی علی خطیبی

صورت مشروح مجلس مورخه شنبه نهم آبان ماه مطابق سیزدهم ربیع الثانی ۱۳۴۴

جلسه دویست و یازدهم مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس عصر پنجشنبه هفتم آبان ماه را آقای آقامیرزاشهاب قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - در دستور عرض داشتم .

نایب رئیس - آقای اخگر .
 (اجازه)

اخگر - قبل از دستور عرض داشتم نایب رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی - فعلا عرضی ندارم نایب رئیس - آقای علائی (اجازه)

علائی - خواستم عرض کنم آقای مستوفی ...

نایب رئیس - راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید ؟

علائی - بلی خواستم عرض کنم که آقای مستوفی را امروز آقای رئیس الوزرا خواسته بودند قبل از رفتن ...

نایب رئیس - صحبت راجع بصورت مجلس است بعد فرمایش بکنید .

آقای نجات . (اجازه)
 نجات - عرضی ندارم .

نایب رئیس - آقای آصف فرج الله خان آصف - چون بنده را جزو غائبین بی اجازه نوشته بودند خواستم